

# حاکمیت شرکتی، خصوصی سازی و اثرات آن

دکتر یحیی حساس یگانه

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

یحیی شیری

کارشناس ارشد حسابداری

ناهید محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

## چکیده

لزوماً اثر یکسانی بر تمام شرکت‌ها نخواهد داشت. در بخش پایانی مقاله نیز مباحثی درباره تجربیات خصوصی سازی در کشورهایمانند چین، جمهوری چک، چک اسلواکی و... مطرح خواهد شد.

## آغاز سخن

خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌های بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا در می‌آورند.

واژه "خصوصی سازی" حاکی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار و به نفع بازار است. خصوصی سازی، وسیله‌ای برای افزایش کارایی (مالی و اجتماعی) عملیات یک موسسه اقتصادی است زیرا چنین به نظر می‌رسد که مکانیسم عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی باعث بکارگیری بیشتر عوامل تولید، افزایش کارایی و در نتیجه تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها و خدمات و کاهش قیمت‌ها می‌شود. این پیش‌بینی به جهت مبانی نظری و علمی در سطح اقتصاد خرد و همچنین تجربه سایر کشورها، امری

بیش از دو دهه است که دولت‌ها در سراسر جهان به سمت خصوصی سازی واحدهای دولتی حرکت کرده‌اند، به این امید که مالکیت خصوصی عملکرد و کارایی کلی اقتصادی آنها را افزایش خواهد بخشید. در همان زمان نیز دانشگاهیان تلاش‌های خود را جهت ارائه یک پاسخ منطقی به این سوال که چرا خصوصی سازی باید منجر به بهبود عملکرد شود؟ آغاز کردند.

تئوری‌های انتخاب عمومی و نمایندگان<sup>۱</sup> نشان می‌دهند که عملکرد واحدهای تجاری خصوصی شده، به‌طور متوسط افزایش خواهد یافت. با این همه، این دو تئوری هرگز درباره انحرافات و نوسانات مشاهده شده مطلبی را مطرح نکرده‌اند. در بخش اول مقاله، درباره تغییراتی که در نتیجه خصوصی سازی در ساختار مدیریت، اهداف، کنترل‌های استراتژی و سازمان رخ خواهد داد، توضیحاتی ارائه می‌شود. در بخش دوم در مورد اثر مالکیت خصوصی بر شرکت‌ها در دوران‌گذار و انتقال به سوی خصوصی سازی بحث خواهد شد. یادآور می‌شویم که خصوصی سازی اثرات مختلفی را بر شرکت‌های مختلف خواهد گذاشت و

پذیرفته شده است.

همانند نهادهای ناظر بر بازار اوراق بهادار، باید در راستای شفافیت اطلاعات و قیمت‌گذاری مناسب سهام به عموم مردم مراقبت و توجه کافی را اعمال نمایند.

بنابراین، خصوصی سازی فقط انتقال مالکیت دولتی به بخش خصوصی و سپس از میان رفتن و کم‌رنگ شدن نقش دولت نیست، بلکه نقش نظارتی و حاکمیت دولت در این زمینه بسیار مهم‌تر شده است، زیرا دولت باید در جستجوی ابزارهای مناسب برای بهره‌برداری بهینه از منابع مادی و انسانی باشد. در این راستا، نقش نظارتی دولت نه تنها کم‌رنگ نشده است، بلکه در اجرای سیاست‌ها نقش آن پررنگ‌تر خواهد شد. ضرورت خصوصی سازی بر کشورهای مختلف عیان شده است، زیرا تاکید فراوان بر بخش دولتی سبب دریافت یارانه‌های فراوان نقدی و غیرنقدی توسط شرکت‌های دولتی می‌شود و انحصاری بودن محصولات و عدم وجود رقابت در تولید سبب تهیه محصولات و خدمات با کیفیتی نازل و بهای تولید بسیار بالا می‌گردد.

### اهداف خصوصی سازی

اهداف خصوصی سازی در کشورهای مختلف با سیستم‌های اقتصادی و شرایط اجتماعی مختلف؛ متفاوت است. البته، سرفصل مشترک این اهداف بهبود کارایی واحدهای اقتصادی است. از جمله سایر اهداف، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کاهش دامنه فعالیت بخش دولتی: در واقع واکنش

طبیعی نسبت به گسترش فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها به ویژه پس از جنگ جهانی دوم است.

۲. انتقال مالکیت و کنترل اقتصادی و صرفه‌جویی در

هزینه‌های دولت: این انتقال باعث می‌شود تا بار مسئولیت‌های اجرایی تصمیم‌گیرندگان دولتی کاسته شود.

۳. افزایش کارایی واحدهای اقتصادی و افزایش

بهره‌وری در تولید ملی: حرکت به سوی بازار همراه با افزایش کارایی است.

۴. کاهش کسری بودجه و بدهی‌های ملی: انتقال

فعالیت‌های اقتصادی با فروش دارایی یا روش‌های دیگر، عمدتاً باعث کاهش هزینه و افزایش درآمد می‌شود. البته، این در صورتی است که دولت قادر باشد رشد هزینه‌های آتی برنامه‌های دولتی را متوقف سازد.

۵. تعدیل یارانه‌ها و اختلال قیمت‌ها: دخالت‌های دولتی

باعث اختلال در قیمت‌ها و تخصیص نامطلوب منابع می‌شود.

۶. تعدیل مقررات: مقررات‌زدایی، نخستین و مهم‌ترین

گام در جهت فراهم آوردن شرایط و فضای رقابتی می‌باشد البته، برای اجرای مناسب خصوصی سازی قوانین قدرتمندی جهت حمایت از حقوق کارگران و کارکنان به هنگام اجرای فرایند مذکور، مورد نیاز می‌باشد.

۷. افزایش رقابت: رقابت مهم‌ترین امتیاز، شاخص برتر و

مایه حیات نظام بازار است و خصوصی سازی با مفهوم ۵۷ افزایش رقابت، در بین اکثر شرکت‌های خصوصی سازی

وسایل ابزارهای خصوصی سازی برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یکسان نیست، چرا که در کشورهای در حال توسعه علاوه بر اینکه چه شرکت‌هایی خصوصی سازی می‌شوند، سوالات دیگر نظیر چگونه خصوصی سازی کنیم؟ به چه کسی واگذار کنیم، و چگونه مقاومت گروه‌های سیاسی مخالف را پاسخگر باشیم؛ مطرح است. در مورد خصوصی سازی و اهمیت آن نوشته‌های فراوانی ارائه شده است، اما در مورد چگونگی انجام آن، (توسط چه کسانی و به چه شکلی) به ندرت صحبت و سخنی به میان آمده است. مسئله‌ای که امروزه سبب بروز خلل در میان کشورها شده، این است که افراد خصوصی سازی را به عنوان یک هدف می‌نگرند و گمان می‌کنند که انتقال از بخش دولتی به بخش خصوصی کافی است و دیگر مسئله‌ای وجود ندارد. اما مسئله مهم و اساسی این است که خصوصی سازی باید ابزاری برای رسیدن به هدف باشد و هدف همان کارایی بیشتر و توسعه اقتصادی و فقرزدایی و... است؛ نه اینکه خصوصی سازی به عنوان هدف دیده شود. با اجرای فرایند خصوصی سازی، وظیفه نهادهای ناظر و اجرایی کم‌رنگ نمی‌شود؛ بلکه نقش عمده نظارتی آنها آغاز می‌گردد. البته، تنها نهاد ناظر را نباید دولت دانست، کلیه نهادهای ناظر بر بازار نیز به نحوی درگیر این ماجرا می‌باشند. در این میان، به‌ویژه نهادهای ناظر

شده در دهه‌های اخیر، مطرح بوده است.

۸. ایجاد علاقه در شاغلان شرکت‌ها: سهم نمودن کارگران، کارمندان و مدیران شرکت‌ها از ابزار مهم سیاسی با آثار مثبت اقتصادی در فرایند خصوصی سازی می باشد.

۹. گسترش بازار سرمایه و فرهنگ مشارکت در کشور: خصوصی سازی، مالکیت سهام را گسترده می کند.

۱۰. تامین منابع مصرف کنندگان: با خصوصی سازی، نظام بازار جایگزین تصمیم گیری سیاسی می شود.

۱۱. توزیع مناسب درآمدها: هدف توزیع، بیشتر مورد نظر سیاستمداران است و عموماً با هدف کارایی هماهنگ نیست.

۱۲. دستیابی به سرمایه، تکنولوژی و منابع خارجی: چنانچه در فرایند خصوصی سازی، جایگاهی برای سرمایه گذاران خارجی در نظر گرفته شود، می توان از این طریق به منابع خارجی دست یافت.

### اصول خصوصی سازی

پس از تبیین خصوصی سازی، باید به دو اصل مهم افزایش سودآوری و تقویت مالکیت خصوصی توجه گردد. مطالعه تاریخی فرایند خصوصی سازی در کشورهایی مانند آلمان، بریتانیا، فرانسه و کشورهای نظیر روسیه، کره جنوبی، لهستان، جمهوری چک، و اسلواکی (که به لحاظ ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و رفتاری دارای تفاوت های اساسی هستند) نشان می دهد که در مرحله گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و شکل گیری نظام بازار، به این دو اصل توجه شده است و به فراخور؛ زمان، مکان و شرایط، زمینه های زیر را فراهم آورده است:

۱) اقدامات "درونی" بنگاه در جهت افزایش بهره وری و سودآوری (توسط مدیران بنگاه): در این زمینه می توان به اقداماتی مانند تقویت فرهنگ عمومی کارکنان و مدیران بنگاه، توسعه منابع انسانی، مدیریت سرمایه و افزایش بهره وری سرمایه، تجدید ساختار و مهندسی مجدد به منظور کاهش سطوح مدیریتی و سلسله مراتب اداری و نیز ادغام فعالیت های متجانس و حذف فعالیت های موازی، توسعه امور بین الملل در جهت جذب سرمایه و فناوری، بازنگری در قراردادها به منظور شفاف سازی و همچنین

تعریف و ارائه استانداردها و شرایط خصوصی پیمان اشاره کرد.

۲) ایجاد شرایط و بستر "محیطی" به عنوان "موتور" خصوصی سازی توسط دولت.

### اهداف استراتژیک

خصوصی سازی در سطح ملی باید با اتکا بر اهداف استراتژیک خاص آغاز شود؛ چرا که بسیاری از طرح ها به علت نبود اهداف استراتژیک مشخص، قابل پیگیری و قابل ارزیابی، یا از حرکت می ایستند و یا از مسیر اصلی خود خارج می شوند. اهداف تبیین شده باید بدون تعارض، تداخل منفی و در کوششی هماهنگ و اولویت بندی شده تعریف گردند. اهداف استراتژیک خصوصی سازی می توانند در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و کشور، حذف انحصار و گسترش رقابت، اشتغال زایی، توسعه فعالیت، کاهش هزینه های جاری شرکت ها، و کوچک شدن اندازه دولت باشند.

### بسترهای مورد نیاز

به طور خلاصه، در جهت بهبود شرایط و زمینه های تخصصی "محیطی" خصوصی سازی، حتی قبل از شروع اقدامات اجرایی در مرکز حکومت، ارائه دو بستر زیر ضروری می باشد:

● ارائه بستر مناسب قانون گذاری: نهادهای قانونگذار (تصمیم ساز و تصمیم گیر) با تعیین اولویت ها باید قوانین و مقررات لازم را برای ایجاد یک اقتصاد کارآمد مبتنی بر بازار و کوچک شدن اندازه دولت تدوین کنند.

● بازنگری قوانین، ارزیابی اثربخشی آنها در اجرا: تدوین و پیشنهاد قوانین جدید از جمله وظایف این نهادها خواهد بود. در این مرحله مهم ترین بحث چگونگی تغییر مالکیت و گذر از بنگاه ها و شرکت های دولتی به شرکت هایی با مالکیت مشترک و یا خصوصی و تقویت حقوق مالکیت خصوصی است. در این زمینه، به تدوین قوانینی در موارد زیر اشاره می شود: گسترش رقابت (قانون ضد انحصار)؛ قوانین روابط بین الملل و داخلی؛

نحوه بازگرداندن سود و چگونگی خارج کردن آن از کشور؛  
مالکیت خارجی سرمایه و زمین؛  
محدودیت‌های تبدیل ارز؛

محدودیت‌های استخدام و اخراج کارگران.

از طرف دیگر، باید قوانین و مقررات لازم به منظور نظارت بر فعالیت بنگاه خصوصی (و نه بازار) با هدف امنیت و سلامت اقتصاد و جلوگیری از ایجاد شکاف طبقاتی و رانت‌جویی و رانت‌طلبی تدوین شود. قوانین و مقررات زیر، در این حوزه قرار می‌گیرند:

محیط‌زیست؛

حمایت از حقوق شاغلان و کارگران؛

نظارت بر شرایط ایمنی کارگاه‌های تولیدی؛

نظارت بر آزادی‌های فردی و سازمانی؛

آزادی ورود و خروج از بازار؛

قوانین و مقررات کار و بیکاری (با تاکید بر جلوگیری از انهدام اجتماعی کارکنانی که به واسطه کوچک‌سازی اندازه دولت بیکار می‌شوند)؛

قراردادها و نحوه حل و فصل دعوی (با نگاه اقتصادی و حقوقی).

ارائه بستر مناسب حمایتی: تشکیل و یا اصلاح نهادها، سندیکاها، انجمن‌ها و مراکزی که بتوانند طبق "برنامه" مساعدت‌های مالی و غیرمالی را به بخش خصوصی ارائه کنند. این حمایت‌ها به دو صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند:  
الف: حمایت‌های مادی "هدفمند و موقت" که می‌توانند به صورت بلاعوض، معافیت مالیاتی یا تخفیف مالیاتی و وام‌های کم بهره باشد. در این راستا، با توجه به ساختار مالی کشور که مبتنی بر سیستم بانکی است، همراه ساختن این سیستم با استراتژی خصوصی‌سازی و حمایت از افراد "کارآفرین" و بنگاه‌های خصوصی "کارآمد"، امری بسیار ضروری است. نکته مهم در اینجا ارائه برنامه تجاری و توسعه از سوی بخش خصوصی و نظارت و کنترل در حمایت‌ها طبق برنامه است.

ب: حمایت‌های غیرمادی که با تشکیل و یا اصلاح و تقویت نهادها و مراکزی در ابعاد و زمینه‌های زیر، امکان‌پذیر می‌شود:

اطلاع‌رسانی (داخلی و بین‌المللی)؛

تامین اجتماعی و بیمه بیکاری؛

آموزش حرفه‌ای و تخصصی؛  
مشاوره و راهنمایی.

### دورنمای تئوری

هر دو تئوری انتخاب عمومی و تئوری نمایندگی معتقدند که مالکیت خصوصی بر مالکیت دولتی برتری دارد و خصوصی‌سازی منجر به بهبود عملکرد می‌شود. تئوری‌های نمایندگی بر مشکلات مختلف نمایندگی و ارائه راه حل‌هایی برای حل و فصل آنها تاکید می‌کنند. مدیران (نمایندگان) در واحدهای تجاری با مالکیت خصوصی یا عمومی به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود می‌باشند (نسبت به حداکثر نمودن آن برای سازمان یا مالکان). در بنگاه‌های خصوصی، این تضاد منافع از طریق سازوکارهای خارجی (کنترل شرکتی، رتبه‌بندی مدیران و...) و سازوکارهایی داخلی (مشارکت مدیران در مالکیت، سیستم‌های اعطای پاداش و...) کاهش داده می‌شود. اما در شرکت‌های دولتی، این سازوکارها تقریباً وجود ندارد. بنابراین، اساس نمایندگی برای خصوصی‌سازی این است که این امر، تغییرات حاکمیت شرکتی را کاهش می‌دهد و انگیزه‌های مدیران در نهایت منجر به بهبود عملکرد می‌شود.

تئوری انتخاب عمومی که به‌طور خاص بر مشکل نمایندگی در واحدهای دولتی تاکید می‌کند (بین عموم و رجال سیاسی)، این‌گونه است که پیش‌بینی می‌شود عملکرد واحدهای دولتی پایین باشد، زیرا سیاستمداران اهداف خود را بر این واحدهای تجاری تحمیل می‌کنند. این امر ممکن است به آنها کمک کند تا فرصت انتخاب مجرد به دست آورند، اما ممکن است با کارایی آن واحدها مغایر باشد.

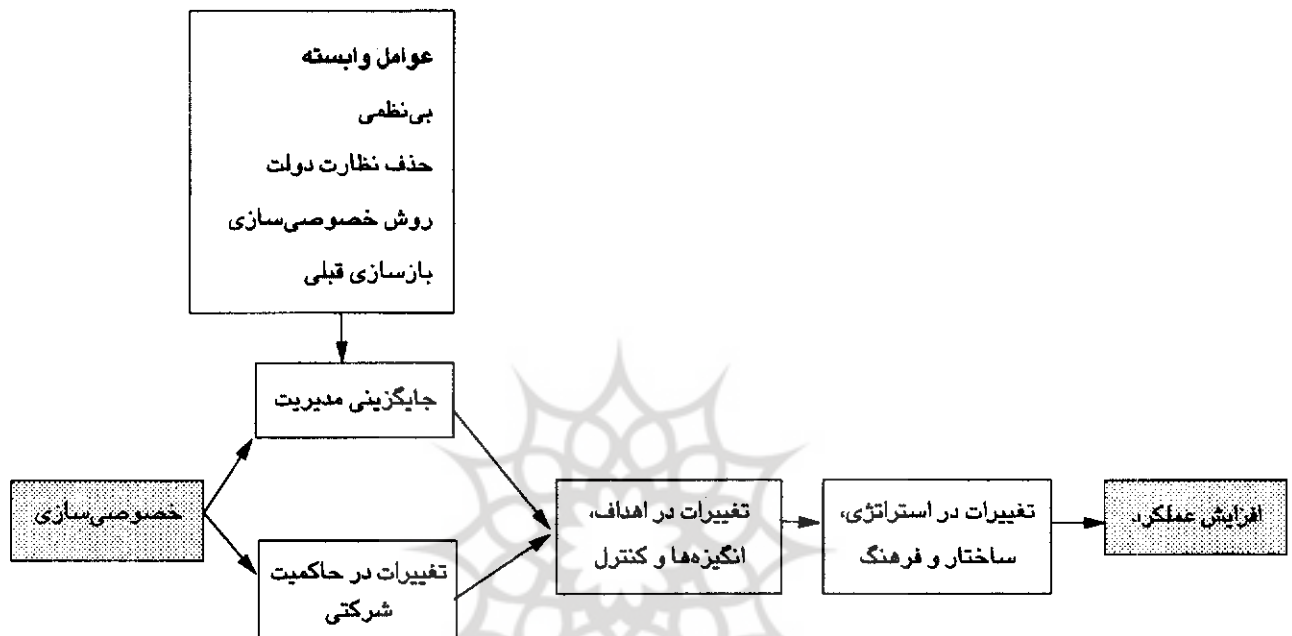
خصوصی‌سازی، تغییرات سازمانی و عملکرد

در ادامه، یک مدل پویا از تغییراتی که در نتیجه خصوصی‌سازی در یک بنگاه اقتصادی به وجود می‌آید، معرفی می‌گردد. با تکمیل تئوری‌های انتخاب عمومی و نمایندگی راجع به خصوصی‌سازی با توجه به دیدگاه‌های حاکمیت شرکتی و تغییر استراتژیک، دلیل افزایش عملکرد را که در نتیجه خصوصی‌سازی به وجود می‌آید، توضیح داده می‌شود. نکته مهم در مدل که در نمایشگر ۱ نمایش داده

سوی مدیریت جدید بنگاه اقتصادی وضع می‌شوند مدیریت جدید، خود در نتیجه خصوصی سازی و به دلیل تغییر در اهداف، انگیزه‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی و از طریق جایگزینی تیم مدیریت ارشد قبلی؛ منصوب می‌گردد.

شده، این است که خصوصی سازی یک تغییر بیرونی ناپیوسته می‌باشد که یک سری از تغییرات درونی را در سازماندهی یا استراتژی بنگاه اقتصادی آغاز می‌کند و در نهایت، اثر مستقیم بر عملکرد می‌گذارد. این تغییرات از

نمایشگر (۱)



استعدادهایی را به همراه خود به بنگاه اقتصادی بیاورد که پیش از این موجود نبوده است. در نتیجه، می‌توان بحث بالا نتیجه ذیل را ارائه نمود:  
وقتی که تیم مدیریت ارشد بنگاه اقتصادی جایگزین شود، خصوصی سازی منجر به افزایش عملکرد می‌شود.

جایگزینی مدیریت

جایگزینی مدیران به ویژه تیم مدیریت ارشد، می‌تواند یک عامل مهم در فرایند تغییرات داخلی محسوب گردد. تعداد زیادی از تغییرات سازمانی به طور مستقیم بر مدیران واحد تجاری اثر می‌گذارند. مدیران فعلی ممکن است نسبت به تغییرات سازمانی تحمیلی یا حتی مجاز، به خاطر تغییرات اجباری در فعالیت‌هایشان یا عدم درک مدیران نسبت به نیاز برای انجام چنین تغییراتی بی‌میل باشند. این مقاومت در برابر تغییرات بخشی از یک پدیده بی‌حسی (سکون) جایگزینی مدیریت فعلی است. به اندازه‌ای که تغییرات سازمانی و استراتژیک عملکرد بنگاه اقتصادی خصوصی شده را افزایش می‌دهد، جایگزینی مدیریت به همراه فراهم آوردن چنین تغییراتی، ممکن است یک عامل تعیین‌کننده در افزایش عملکرد خصوصی سازی باشد.

عوامل وابسته  
در زمینه خصوصی سازی، جایگزینی مدیریت احتمالاً وابسته به سه فاکتور است:

- (۱) روش خصوصی سازی استفاده شده
  - (۲) میزان بازسازی قبلی
  - (۳) حذف نظارت دولت و اصلاح محیط اقتصادی
- نخست، روش خصوصی سازی تعیین می‌کند که مالکان جدید چه کسانی هستند و چه میزان از موانع (اختلالات) سیاسی، پس از خصوصی سازی برجای مانده است. چنانچه

خصوصی سازی به منظور افزایش قیمت بنگاه اقتصادی انجام می‌گیرد. در این حالت، فرایند تغییر سازمانی و بهبود در عملکرد، ممکن است قبل از خصوصی سازی آغاز شود. اگر این حالت اتفاق افتد، احتمال اینکه تیم مدیریت ارشد بعد از خصوصی سازی مجدداً تغییر کند؛ کاهش می‌یابد.

سوم، استحکام (پایداری) مدیران پیش از خصوصی سازی است که به وسیله خصوصی سازی داخلی، ساختار مالکیت پراکنده یا مداخلات سیاسی حمایت می‌شود، در این حالت، اگر بازارهای سرمایه دارای یک ظرفیت کنترلی موثر باشند از سوی این بازارها محدود خواهند شد. خلاصه آثار این احتمالات به شرح ذیل خواهد بود:

هنگامی که مالکان جدید خارجی (بیرونی) باشند، مدیریت قبلی به منظور خصوصی سازی جایگزین نشده باشد یا بازارهای سرمایه نقش کنترلی موثری را ایفا کنند؛ تیم مدیریت ارشد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی شده با احتمال بیشتری جایگزین خواهد شد

#### تغییرات در اهداف، انگیزه‌ها و کنترل‌ها

تئوری‌های نمایندگی و انتخاب عمومی بر اهداف و انگیزه‌ها به عنوان متغیرهای اصلی تاکید می‌کنند. تصمیم‌گیری آتی، ارتباط میان تغییرات خاصی را که یک شخص ممکن است از این متغیرها انتظار داشته باشد، برجسته می‌کند؛ در نتیجه نشان می‌دهد که چگونه دو تئوری مکمل یکدیگر می‌باشند.

اهداف بنگاه‌های اقتصادی خصوصی تقریباً واضح و پیرامون حداکثرسازی سود و خلق ارزش برای سهامداران می‌باشد. با این حال، در بنگاه‌های اقتصادی دولتی اهداف معمولاً مبهم، چندگانه، متضاد و در برگیرنده اهداف سیاسی و مالی است. یک نتیجه قابل مشاهده از این تفاوت در اهداف، تفاوت در معیارهای (مقیاس‌های ارزیابی) آنان می‌باشد. معیار به عنوان یک سازوکار کنترل داخلی به کار می‌رود. اهداف بنگاه‌های اقتصادی خصوصی براساس معیارهای حسابداری یا معیارهای مرتبط با بازار مانند قیمت سهام تعیین می‌شوند. انگیزه‌ها و سیستم‌های کنترلی که به مطابقت علایق سهامداران با مدیران کمک می‌کنند را ۶۱ می‌توان در معیار مشابهی به کار گرفت. مدیران معمولاً

خصوصی سازی رخ دهد، کنترل از دست اعضای داخلی خارج می‌شود. این اعضای داخلی، که مدیران و کارگران بنگاه اقتصادی هستند، ممکن است نسبت به حفظ موقعیت فعلی خود واکنش نشان دهند. آنها علاقه مند به تغییرات بنیادی استراتژیک نیستند. در عوض اگر خصوصی سازی بیرونی رخ دهد جایگزینی مدیریت محتمل است.

هر یک از تئوری‌های نمایندگی و انتخاب عمومی، پیش‌بینی‌های مخالفی را جهت پاسخ به روش خصوصی سازی ارائه می‌کنند. تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که خصوصی سازی داخلی (مدیریت/کارکنان) مسووتر از خصوصی سازی بیرونی است؛ زیرا خصوصی سازی داخلی، اتحاد بیشتری را بین منافع مدیران و مالکان جدید ایجاد می‌کند. در مقابل، از آنجایی که اهداف داخلی با توجه به پاسخ‌گویی به کارکنان و سرمایه‌گذاران، برای سیاستمداران بسته‌تر می‌باشند؛ تئوری انتخاب عمومی خصوصی سازی بیرونی را بر خصوصی سازی درونی ترجیح می‌دهد. در مدل ارائه شده، تغییرات در حاکمیت شرکتی فقط تا حدی بر عملکرد تاثیر می‌گذارند که این تغییرات، بر فعالیت‌های مدیران اثرگذار باشد. از جمله این تغییرات اساسی، تغییر در مدیریت است. لذا مدل ارائه شده در این موضوع با تئوری انتخاب عمومی هم جهت می‌باشد؛ یعنی، خصوصی سازی بیرونی منجر به افزایش عملکرد بالاتری نسبت به خصوصی سازی درونی می‌شود.

دیدگاه انتخاب عمومی نیز اهمیت مداخله‌های سیاسی را که ممکن است در بنگاه اقتصادی خصوصی برجای بماند، مورد تاکید قرار داده است. اختلالات سیاسی می‌تواند چند شکل داشته باشد برای مثال، در برنامه خصوصی سازی انگلیسی، دولت به‌طور مستمر مشارکت اساسی در منافع خصوصی سازی را برای خود حفظ می‌کند. این امر به دولت امکان می‌دهد تا در خصوص تصمیمات عمده و صرف‌نظر از موضوعات استراتژیک یا مسائل مربوط به منافع ملی؛ دارای حق رای باشد. در نمونه فرانسوی، مداخلات سیاسی منجر به شکل‌گیری گروهی متمرکز از سهامداران می‌شود که از سوی دولت به دلایل مالی یا فناوری انتخاب می‌شوند.

در احتمال دوم، جانشینی مدیریت ارشد به عنوان قسمتی از تجدید ساختار فعلی، از سوی دولت و قبل از



بیشتری دارند تا از فشارهایی که به وسیله طرح‌های انگیزشی بر آنها تحمیل می‌شود، فرار کنند.

از آنجایی که بخش‌های کنترل داخلی و هیئت مدیره که کنترل را در واحدهای خصوصی اعمال می‌کنند، نسبت به واحدهای دولتی عملکرد بهتری دارند؛ می‌توان انتظار داشت که سازوکارهای کنترل در بنگاه‌های خصوصی نسبت به بنگاه‌های دولتی از کارایی بیشتری برخوردار است.

همچنین، اهداف بخش‌های کنترل داخلی و هیئت مدیره در بخش خصوصی، نسبت به اهداف نمایندگی‌های بیرونی در بخش عمومی از تطابق بیشتری برخوردار می‌باشند. همان طوری که در تئوری نمایندگی پیش‌بینی شد، ما انتظار داریم تا تغییر در کنترل‌ها و انگیزه‌ها به‌طور متوسط منجر به بهبود عملکرد در بنگاه‌های خصوصی شود. در این‌جا به دو منبع بالقوه انحراف که در بحث حاکمیت شرکتی در بنگاه‌های خصوصی مطرح می‌باشند، اشاره می‌کنیم. نخست اینکه ساختار مالکیت متمرکز ممکن است نسبت به سایر ساختارها برای عملکرد بهتر باشد، اما تمرکز زیاد مالکیت همیشه مفید نیست. در حقیقت، شواهد تجربی نشان می‌دهند که وقتی تمرکز مالکیت از یک نقطه مشخصی فراتر رود، منافع کنترلی سهامداران عمده افزایش می‌یابد. برای مثال، فروش بنگاه‌های دولتی به سهامداران کنترل‌کننده‌ای که اهداف تخصصی، مالی یا ملی دارند ممکن است همیشه اثر خوشایندی را بر عملکرد نداشته باشد؛ زیرا چنین سهامدارانی ممکن است به دنبال تحقق منافع خود باشند نه حداکثرسازی ارزش بنگاه اقتصادی (تضاد منافع). ثانیاً، همه اعضای هیئت مدیره تأثیر یکسانی جهت اعمال کنترل بر مدیران ندارند. در نتیجه، از مباحث بالا نتیجه زیر قابل استخراج می‌باشد:

وقتی سطح متوسطی از تمرکز مالکیت و سلطه‌گری سهامداران کوچک وجود داشته باشد و هیئت مدیره نقش کنترلی خود را به‌طور موثری انجام دهد، طرح‌های انگیزشی و اهداف بنگاه‌های خصوصی منجر به عملکرد بالاتر می‌شود.

تغییرات در استراتژی، سازماندهی و فرهنگ یکی از بزرگ‌ترین منابع انحراف در اثرات عملکرد خصوصی سازی، تغییرات در استراتژی و سازماندهی است

ترجیح می‌دهند که پاداش آنها مطابق با عملکرد و مبتنی بر معیارهای حسابداری باشد تا معیارهای بازار. در حالی که سهامداران تمایل به حمایت از انگیزه‌های مبتنی بر بازار برای مدیران دارند، زیرا این معیارها بهتر می‌توانند ارزش افزوده را منعکس کنند و امکان دستکاری آنها توسط مدیران وجود ندارد. به دلیل تفاوت مذکور در ترجیحات سهامداران و مدیران، طرح‌های انگیزشی در بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، ترکیبی از هر دو معیار بازار و حسابداری می‌باشد. از جمله این معیارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مالکیت در سهام یا اختیار خرید سهام از سوی مدیران، تهدید به اخراج اگر سود یا عملکرد بازار پایین باشد و یا ترکیبی از هر دو.

در بنگاه‌های اقتصادی دولتی، اهداف سیاسی با اهداف عملیاتی متفاوت می‌باشد و اهداف مالی تنها براساس معیارهای حسابداری تعیین می‌شوند. در نتیجه، معیارهای مبتنی بر بازار اهمیت مربوطتری را در نتیجه خصوصی سازی به دست خواهد آورد. ارتباط بین انگیزه‌ها، اهداف و سیستم‌های کنترلی، معمولاً با خصوصی سازی افزایش پیدا می‌کند. احتمال ارتقا اولین انگیزه‌ای است که در واحدهای دولتی استفاده می‌شود. این انگیزه به کارمندان با سابقه‌تر مربوط می‌شود.

به علاوه، کنترل در بنگاه‌های دولتی، رسمی و اداری است و از سوی نمایندگان مختلف دولتی اعمال می‌شود. با انجام خصوصی سازی، این سازوکار با اهداف بیشتر و سیستم‌های کنترلی مبتنی بر بازار جایگزین می‌شود. از بحث بالا نتیجه ذیل به دست خواهد آمد:

خصوصی سازی، بنگاه‌های اقتصادی را تشویق می‌کند تا طرح‌های انگیزشی و سازوکارهای کنترلی مبتنی بر بازدهی بیشتر و مبتنی بر بازار را مورد استفاده قرار دهند.

#### تغییرات در حاکمیت شرکتی

اهداف در بنگاه‌های اقتصادی دولتی، چندگانه و تابع چانه‌زنی‌های سیاسی می‌باشد. لذا بکارگیری سیستم‌های انگیزشی مرتبط با عملکرد مالی، غیرمحمول است. به عبارت دیگر، چون میزان پرداختی به کارکنان محدود است؛ لذا باعث ایجاد یک سقف جهت پرداخت خواهد شد. همچنین، مدیران در بنگاه‌های اقتصادی دولتی آزادی

قیمت‌ها در سطح پایین، به‌طور موثری به عنوان یک بازدارنده عمل می‌کند به شکلی که مصرف‌کنندگان از تنوع کمتر لذت می‌برند. باید متذکر شویم که این افزایش در تنوع نبایستی تنها شامل ورود شرکت‌های تجاری مختلف در صنعت باشد، بلکه این تعدد شرکت‌ها باید همراه با ایجاد دامنه وسیع‌تری از تولیدات باشد تا محیط رقابتی ایجاد گردد. مدل اندرسون و سایرین نشان می‌دهد که به منظور توانمند ساختن شرکت‌ها به تنوع بیشتر تولید، استراتژی‌هایی با تمرکز کمتر و ابتکار عمل بیشتر در سطح تجاری مورد نیاز می‌باشد. به علاوه، مدیران با احتمال بیشتری چنین استراتژی‌هایی را پس از خصوصی‌سازی نسبت به قبل از خصوصی‌سازی به کار می‌گیرند. بنابراین، خصوصی‌سازی شرکت‌ها را تحریک می‌کند تا استراتژی‌های شرکتی با دامنه بالا و استراتژی‌های تجاری با تمرکز کمتر و ابتکار عمل بیشتر را به کار گیرند.

در چنین حالتی، تغییرات استراتژیک نمی‌تواند جدا از تغییرات در سایر متغیرهای سازمانی باشد. به‌ویژه هنگامی که انگیزه‌ها و مالکیت خصوصی به منظور نظارت مستقیم از سوی اداره مرکزی جایگزین می‌شود، ساختار سازمانی شرکت خصوصی احتمالاً نامتمرکزتر می‌شود. با رهایی مدیران از کنترل سیاستمداران، خصوصی‌سازی ممکن است مدیران را آزاد سازد تا آنها استعداد مدیریتی نهفته خود را به کار گیرند. همچنین، فرهنگ شرکتی بنگاه‌های خصوصی در تطابق با سایر متغیرها تغییر می‌کند. برای نمونه، با تغییر اهداف سیاسی به اهداف مالی، بازدهی بیشتر و انگیزه‌های مبتنی بر بازار، بنگاه اقتصادی ممکن است از یک موقعیت تولیدی به یک موقعیت مشتری تغییر جهت دهد؛ یعنی، تغییر جهت از تمرکز بر بازارهای واردات به تمرکز بر صادرات. به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی، بنگاه اقتصادی را تشویق می‌کند تا یک ساختار سازمانی غیرمتمرکزتر و یک موقعیت صادراتی تر را بپذیرد.

#### خصوصی‌سازی در سایر کشورها

پیشینه خصوصی‌سازی و رواج آن در بین ملل مختلف، قریب به چند دهه می‌رسد. فرایند خصوصی‌سازی در کشورهای مختلفی آغاز شده که از جمله این کشورها ۶۳ می‌توان به بنگلادش، هند، نپال، پاکستان، جمهوری چک،

که می‌تواند همراه با خصوصی‌سازی اتفاق بیافتد. مدیران معمولاً انگیزه‌های بالاتری را برای سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های با مالکیت خصوصی نسبت به بنگاه‌های دولتی دارند. تحت مالکیت دولتی، مدیران به‌طور معقولی پیش‌بینی می‌کنند که هر نوع منافع بالقوه‌ای از سرمایه‌گذاری‌های خود می‌تواند کسب شود ولی احتمالاً بر پاداش آنها تاثیر نخواهد گذاشت. با این حال، زبان‌ها ممکن است کار آنها را تهدید کند. به علاوه، هر نوع استراتژی که سرمایه‌گذاری‌های با اهمیتی را طلب می‌کند، از نقطه نظر مدیران ممکن است دارای ریسک بالا یا بازده پایینی باشد؛ بنابراین، به‌طور احتمالی تعهدآور خواهد بود. با این حال، تحت مالکیت خصوصی ریسک از دست دادن کار فرد با افزایش در پاداش جبران خواهد شد.

بنابراین، در بنگاه‌های دولتی تعیین موقعیت و فعالیت یک بنگاه اقتصادی هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ جغرافیایی از سوی دولت به عنوان مالک، اجباری است. هنگامی که برای مثال، فعالیت عموماً محدود به کشور وطنی می‌شود و وقتی چنین موقعیت‌هایی در نتیجه خصوصی‌سازی از بین می‌روند، بنگاه می‌تواند دامنه فعالیت‌ها یا بازارهای تجاری خود را گسترش دهد. در نتیجه، از فرصت‌های به وجود آمده مستفیع می‌شود و به علاوه، منابع و قابلیت‌های خود را توسعه می‌دهد. ادغام‌های بین‌المللی ممکن است به‌طور خاصی برای بنگاه‌های خصوصی خوشایند باشد، زیرا ادغام با بنگاه‌های اقتصادی در سایر کشورها، فشارهای سیاسی و اجتماعی را با افزایش در آزادی بنگاه در طراحی استراتژی کاهش می‌دهد. بنابراین، بازارهای میزبان که بنگاه اقتصادی از راه ادغام در آن وارد می‌شود، با احتمال کمتری از ورود بنگاه خصوصی نسبت به بنگاه دولتی ممانعت به عمل می‌آورند. در واگذاری بنگاه‌های دولتی و به‌خصوص بنگاه‌های عمده به بخش خصوصی، به ویژه زمانی که این واگذاری به یک کشور بیگانه باشد؛ احساسات ملی منجر به تقویت شرکت‌های داخلی جهت رقابت با رقبای خارجی می‌شود.

همچنین، هنگام خصوصی‌سازی تغییر استراتژی تجاری شرکت محتمل می‌باشد. از لحاظ ریاضی نشان داده شده است که خصوصی‌سازی در صنایع متمایز، منجر به تنوع تولیدات می‌شود؛ زیرا شرکت‌های دولتی با ننگه داشتن



زمانی که چارچوب مناسبی را برای اداره و تداوم امور به دست آید؛ دولت باید همچنان حامی این طرح‌ها باقی بماند و استانداردها و چارچوب‌هایی را برای عرضه اطلاعات تدوین نمایند. وجود الزامات اصل ۴۴ مبنی بر رعایت قوانین و مقررات توسط سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در راستای حمایت از فرایند خصوصی سازی مناسب می‌باشد، اما باید این الزامات را به حداکثر ممکن رسانید تا بتوان در راستای بهینه اجرای فرایند خصوصی سازی و نظارت بر آن موفق‌تر عمل نمود.

در تجربیات خصوصی سازی در ایالت ماساچوست، (کشور ایالات متحده) تجربه خصوصی سازی با واگذاری بخش‌های کوچک و نظارت مستقیم دولت انجام شد و سپس با سنجش میزان کارایی آن در پیش و پس از واگذاری‌ها، در مورد ادامه روند کار تصمیم‌گیری شد. فرایند خصوصی سازی با واگذاری صنایع کوچک می‌تواند کمک‌های فراوانی را به توسعه اقتصادی کشور نماید، اما واگذاری صنایع بزرگ خطرات و ریسک‌های بزرگی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. پیشنهادکنندگان و هدایت‌کنندگان در فرایند خصوصی سازی ماساچوست معتقد بودند که فرایند خصوصی سازی منجر به بهبود کیفیت محصولات و خدمات و کاهش هزینه‌های آنها شده است. آنها تمام این مسائل را ناشی از ایجاد جو رقابتی برای محصولات و خدمات تلقی نموده‌اند. در تجربیات این ایالات دو نکته کلیدی قابل استخراج می‌باشد که عبارت است از:

۱- برای صنعت و حیطه و قلمرویی که قصد خصوصی سازی آن را دارید، ابتدا استانداردهای لازم سنجش عملکرد را تعیین نمایید.

۲- صنعت واگذار شده به گونه‌ای باشد که بیشتر از یک خریدار داشته و تنها یک بخش و یا اشخاص و گروه خاص قادر به راهبری آن نباشند تا بدین ترتیب، ماهیت رقابتی آن حفظ شود.

### خصوصی سازی در جمهوری چک

خصوصی سازی در حجم وسیع (Mass Privatization) هسته اصلی اقتصاد چک را به بخش خصوصی منتقل کرد. در روز اول، ۹۸۸ واحد دولتی بزرگ به کمک طرح کوپن (Voucher) خصوصی سازی شدند. دو مرحله کلی این

فرانسه، ایتالیا، آلمان و ترکیه اشاره نمود. در بررسی‌های انجام شده در مورد تجربه خصوصی سازی در این کشورها، چند نکته مهم را می‌توان دریافت که تقریباً در همه کشورها مشترک بوده است، دولت‌ها در این کشورها برای اصلاح نقش دولت در اقتصاد و مشارکت عمومی مردم در فعالیت‌های اقتصادی، تلاش‌های چشمگیری داشته‌اند و هدف آنها از اجرای برنامه‌های خصوصی سازی، افزایش رشد اقتصادی، افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، کاهش تصدی‌های دولت، افزایش کارایی و... بوده است. تجربیات کشورهای نام برده نشان می‌دهد که عمده‌ترین روش‌های واگذاری در این کشورها به صورت مزایده و مذاکره بورس و فروش سهام و... بوده است. در بررسی‌های به عمل آمده در این کشورها، پیامدهای منفی ناشی از این فرایند نیز مشاهده شده است. از مهم‌ترین آثار مذکور می‌توان به مازاد نیروی کار، بازنشستگی پیش از موعد کارگران و امثال این موارد اشاره کرد. این مسئله سبب بروز انتقادهای فراوانی بر امر خصوصی سازی گشته و در این بین، مخالفان فراوانی برای آن پدید آورده است. برای پیشگیری از چنین معضلاتی، باید پیش از پیاده سازی هر فرایند موثر بر اقتصاد کشور، زمینه‌ها و بنیان‌های اساسی برای آن طرح‌ریزی شود و قوانین و مقررات نسبی برای رویارویی با این مشکلات تعیین گردد. نظارت بر روند خصوصی سازی و بررسی پیامدهای حاصل از آن و در نتیجه ارائه راهکارهایی برای از بین بردن پیامدهای منفی احتمالی، از مهم‌ترین مواردی است که باید همواره به آن توجه شود. دولت در واگذاری فعالیت‌ها و سازمان‌ها به بخش خصوصی، باید با درایت عمل کند و در فرایند واگذاری آنها بر اجرای درست و منصفانه و کیفیت اعمال انجام شده، نظارت داشته باشد و صنایع کلیدی را به یکباره و بدون ضمانت اجرایی لازم به حال خویش رها ننماید. به‌رغم آنکه خصوصی سازی در حقیقت تغییر وظیفه اجرای دولت به وظیفه نظارتی آن می‌باشد، اما این مسئله نیز باید مدنظر قرار گیرد که همواره بر تقارن اطلاعاتی نظارت شود تا در بخش‌هایی که از طریق بورس اوراق بهادار واگذار می‌گردد، عموم مردم بتوانند با خیالی آسوده اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند و به این ترتیب بازده‌ای مناسب را کسب نمایند. در حقیقت، در این فرایند تنها انتقال مالکیت از بخش عمومی به خصوصی کافی نیست، بلکه همواره تا

بودند. آنها هر چند اقتصاد ضعیفی داشتند، اما از پشتوانه قوی برای آغاز تغییرات برخوردار بودند.

#### پایان سخن

خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا در می‌آورند. اهداف خصوصی سازی در کشورهای مختلف با سیستم‌های اقتصادی و شرایط اجتماعی مختلف، متفاوت است. البته، سرفصل مشترک این اهداف، بهبود کارایی واحد اقتصادی است. از جمله سایر اهداف می‌توان به کاهش حوزه فعالیت بخش خصوصی، انتقال مالکیت و صرفه جویی در هزینه‌های دولت، افزایش کارایی واحدهای اقتصادی، کاهش کسری بودجه و بدهی‌های ملی، تعدیل رایانه‌ها و اختلال قیمت‌ها، تعدیل مقررات، افزایش رقابت، ایجاد علاقه در شاغلین شرکت‌ها و... اشاره نمود.

به‌طور خلاصه، در جهت بهبود شرایط و زمینه‌های محیطی خصوصی سازی، مهیا نمودن دو بستر زیر ضروری می‌باشد:

۱- تهیه بستر مناسب قانون‌گذاری: نهادهای قانون‌گذار باید قوانین و مقررات لازم را برای ایجاد یک اقتصاد کارا مبتنی بر بازار و کوچک شدن اندازه دولت تدوین کنند.

۲- بازنگری قوانین، ارزیابی اثربخشی آنها در اجرا، تدوین قوانین جدید.

براساس دو تئوری انتخاب عمومی و تئوری نمایندگی، مالکیت خصوصی بر مالکیت دولتی برتری دارد و خصوصی سازی منجر به بهبود عملکرد می‌شود. اساس تئوری نمایندگی در زمینه خصوصی سازی این است که خصوصی سازی، منجر به کاهش تغییرات حاکمیت شرکتی شده و انگیزه‌های مدیران، در نهایت منجر به بهبود عملکرد می‌شود. تئوری انتخاب عمومی نیز برپایین بودن عملکرد واحدهای دولتی تاکید می‌کند. مدلی در این مقاله ارائه شد که بیانگر این نکته است که خصوصی سازی یک تغییر بیرونی ناپیوسته می‌باشد که یکسری از تغییرات درونی را در سازماندهی یا استراتژی بنگاه اقتصادی آغاز می‌کند و این تغییرات، در نهایت اثر مستقیم بر عملکرد می‌گذارد. ۶۵

فرایند شامل ۱) ایجاد برنامه خصوصی سازی برای هر واحد و ۲۹ طرح کوپن که به بخش خصوصی اجازه می‌داد در مزایده این واحدها شرکت کند.

در بخش اول فرایند، مدیران باید طرح‌های خصوصی سازی درباره شرکت خود را تا ژانویه ۱۹۹۲ ارائه می‌کردند. این طرح‌ها شامل اطلاعاتی درباره بدهی‌ها و دارایی‌های شرکت، انتخاب شیوه خصوصی سازی، ساختار مالکیت پیشنهادی و طرح کسب و کار بود. همچنین، گزینه‌های ممکن برای خصوصی سازی شامل فروش مستقیم، حراج‌ها و پیشنهاد مناقصه بخشی از دارایی‌های شرکت نیز ارائه می‌شد. گزینه‌های ممکن برای ساختار مالکیت سهام شرکت نیز تهیه شد. ساختار مالکیت پیشنهادی می‌توانست شامل فروش داخلی مستقیم (فروش بلوک به خریداران داخلی)، فروش مستقیم به خارجی‌ها و نگهداری بخشی از سهام توسط دولت باشد. باقیمانده سهام از طریق طرح مزایده مبتنی بر کوپن توزیع می‌شد.

فروش داخلی مستقیم شامل خرید توسط مدیران و سایر خریداران داخلی بود. وزارت خصوصی سازی، جنبه‌های مختلف هر طرح را در نظر گرفته و یک طرح را برای هر واحد دولتی بزرگ (SOE)، انتخاب می‌کرد. به این ترتیب ۹۸۸ واحد دولتی وارد طرح کوپن شدند. پس از کنار گذاشتن سهام برای مدیران، خارجی‌ها و دولت و با توجه به طرح خصوصی سازی، تعداد باقیمانده سهام برای توزیع از طریق طرح کوپن در دسترس قرار گرفت. شهروندان می‌توانستند خودشان در مزایده شرکت کنند یا از طریق ۴۰۰ صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی این کار را انجام دهند. این صندوق‌ها در این امر بسیار موفق بودند.

جمهوری چک در مسیر خصوصی سازی خود بسیار خوب عمل می‌کرد. در جمهوری چک، نظارت بر قوانین و بازار سرمایه چندان کاملی وجود نداشت. بدتر از همه، سیستم بانکی در اجرای مقررات بازار برای خود یا اعتبارگیرندگان تجربه کافی نداشت. ثروت محدود و عدم وجود بازارهای اعتباری مشکلات زیادی برای اقتصاد چک ایجاد کرده بود. اما یکی از مهم‌ترین نقاط قوت خصوصی سازی در جمهوری چک، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بود. کشورهایمانند جمهوری چک، لهستان و مجارستان راهبران تغییر در اروپای شرقی

- 4- Boycko, M., Shleifer, A., & Vishny, R. 1996. A theory of privatization. *Economic Journal*, 106: 309-319.
- 5- Castanias, R. P., & Helfat, C. E. 1991. Managerial resources and rents. *Journal of Management*, 17: 155-171.
- 6- Cuervo, A. 1997. La privatización de la empresa pública. Madrid: Ediciones Encuentro.
- 7- Hannan, M. T., & Freeman, J. 1984. Structural inertia and organizational change. *American Sociological Review*, 49: 149-16.
- 8- Haskel, J., & Sanchis, A. 1995. Privatization and X-inefficiency: A bargaining approach. *Journal of Industrial Economics*, 43: 301-321.
- 9- Haskel, J., & Szymanski, S. 1993. Privatization, liberalization, wages, and employment: Theory and evidence from the U. K. *Economica*, 60: 161-182.
- 10- La Porta, R., & Lopez de Silanes, F. 1997. The benefits of privatization: Evidence from Mexico. Working paper No. 6215. National Bureau of Economic Research. Cambridge. MA.
- 11- Martin, S., & Parker, D. 1997. The impact of privatisation, ownership and corporate performance in the U.K. London: Routledge.
- 12- Rajagopalan, N., & Spreiter, G. M. 1997. Toward a theory of strategic change: A multi-lens perspective and integrative framework. *Academy of Management Review*, 22: 48-79.
- 13- <http://en.wikipedia.org/wiki>.
- 14- Zahra, S; Ireland, D; Gutierrez, I; Hitt, M. "Privatization and Entrepreneurial ransformation: Emerging Issues and a Future Research Agenda". *The Academy of Management Review*, Vol. 25, No. 3.(Jul., 2000), pp. 509-524.

۱۵- خصوصی سازی در بخش های رقابتی، گزارشی از وضعیت کنونی، سازمان خصوصی سازی. گزارش های پژوهشی.

اعمال می شوند. مدیریت جدید خود را در نتیجه خصوصی سازی و به دلیل تغییر در اهداف، انگیزه ها و ساختار حاکمیت شرکتی، و از طریق جایگزینی تیم مدیریت ارشد قبلی منصوب می گردد. بنابراین، با رهایی مدیران از کنترل سیاستمداران، خصوصی سازی مدیران را قادر می سازد تا استعدادهای مدیریتی نهفته خود را بکار گیرند. از جمله اثرات منفی خصوصی سازی می توان به مازاد نیروی کار، بازنشستگی پیش از موعد کارگران و... اشاره نمود. یکی از مهم ترین فاکتورها جهت پیشگیری از این آثار منفی، تصویب قوانین و مقررات مناسب و الزام آور جهت رویی با این مشکلات می باشد. به علاوه، فرایند خصوصی سازی با واگذاری صنایع کوچک می تواند منجر به توسعه اقتصادی کشور شود؛ در حالی که واگذاری صنایع بزرگ خطرات و ریسک های بزرگی را بر جامعه تحمیل می کند. تجربه خصوصی سازی در ایالت ماساچوست (کشور ایالات متحده) دو نکته کلیدی را خاطر نشان می سازد:

- ۱- برای ایجاد خصوصی سازی در هر حوزه ای، نخست باید استانداردهای لازم سنجش عملکرد در آن حوزه تعیین شود.
  - ۲- صنایع واگذار شده دارای بیش از یک خریدار باشد به گونه ای که ماهیت رقابتی ایجاد گردد.
- تجارب خصوصی سازی در کشورهای چک، لهستان و مجارستان نشان می دهد که این کشورها به رغم برخورداری از اقتصادی ضعیف، پایه های قوی جهت تغییرات داشته اند و در نتیجه، در جریان فرایند خصوصی سازی تقریباً موفق عمل کرده اند.

پی نوشت:

1- Agency and public choice theories

منابع و ماخذ:

- 1- Anderson, S. P., de Palma, A., & Thisse, J.-F. 1997. Privatization and efficiency in a differentiated industry. *European Economic Review*, 41:1635-1654.
- 2- Bos, D. 1991. Privatization: A theoretical treatment. Oxford: Clarendon Press.
- 3- Buchanan, J. M. 1972. Theory of public choice. Ann Arbor: University of Michigan Press.



انجمن حسابداران  
خبره ایران

Iranian Institute of Certified Accountants

## چهارمین سمینار حسابداری مدیریت

### "نقش مدیریت هزینه و سنجش عملکرد در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی"

۲۳ و ۲۴ مهرماه ۱۳۸۷

#### موضوعات مورد بررسی و سخنرانی

\* تاثیر ثبات فضای کلان اقتصادی بر اثربخشی و کارایی حسابداری مدیریت \* تحلیل توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی ایران \* مفاهیم و تکنیک‌های مدیریت هزینه \* ارزیابی متوازن در خدمت پیشبرد استراتژی \* نقش ترازسنجی (Benchmarking) در سنجش عملکرد \* ضرورت بازنگری در شیوه‌های سنجش عملکرد \* حسابداری ناب \* نقش حسابرسی عملیاتی در مدیریت استراتژیک \* آموزش حسابداری مدیریت در ایران \* حساب بی حساب‌ها (سخنرانی اجتماعی) \* پرسش و پاسخ \* میزگرد، جایگاه حسابداری مدیریت در ایران

#### مخاطبان

اساتید رشته‌های مالی، اعضای هیات مدیره شرکت‌ها (دولتی و خصوصی)، مدیران سازمان‌های دولتی و خصوصی، مدیران و کارشناسان مالی، پژوهشگران، مدیران و سرپرستان حسابرسی، حساب‌رسان ارشد و حساب‌رسان، رؤسای حسابداری و رؤسای حسابداری صنعتی شرکت‌ها.

#### زمان و مکان

روزهای بیست و سوم و بیست و چهارم مهرماه ۱۳۸۷ در محل دانشگاه شهیدبهشتی واقع در اوین

#### هزینه و روش ثبت نام

هزینه شرکت در سمینار برای اعضای انجمن حسابداران خبره ایران، اساتید و دانشجویان دوره تکمیلی رشته مالی مبلغ ۹۰۰,۰۰۰ ریال، برای اعضای جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداری ایران مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال و برای سایرین ۱,۱۰۰,۰۰۰ ریال، ثبت نام پس از واریز مبلغ تعیین شده به حساب ۴۵۰۵۳۵۵۵ در بانک تجارت شعبه مرکزی بنام انجمن حسابداران خبره ایران و تکمیل فرم ثبت نام پشت صفحه و ارسال آن به ضمیمه فیش واریزی از طریق پست و یا فاکس شماره ۸۸۸۹۹۷۲۲ میسر می‌باشد.

#### مهلت ثبت نام

- با توجه به محدودیت جا، ثبت نام به ترتیب اولویت زمان دریافت اعلامیه واریز وجه و فرم ثبت نام و صدور رسید رسمی انجمن انجام خواهد شد.
- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفن ۸۸۹۰۲۹۲۶ - ۸۸۹۰۵۹۲۰ تماس حاصل فرمائید.



بسمه تعالی

فرم درخواست ثبت نام چهارمین سمینار حسابداری مدیریت  
 "نقش مدیریت هزینه و سنجش عملکرد در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی"  
 بیست و سوم و بیست و چهارم مهرماه ۱۳۸۷

اینجانب

به آدرس

تلفن  
فاکس

از سازمان  
شرکت

با واریز مبلغ

ریال

حساب جاری ۴۵۰۵۳۵۵۵ بنام انجمن حسابداران خیره ایران در بانک تجارت شعبه مرکزی (اعلامیه پیوست) متقاضی شرکت در چهارمین سمینار "نقش مدیریت هزینه و سنجش عملکرد در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی" می‌باشم. مشخصات عضویت:

عضو انجمن حسابداران خیره ایران  عضو جامعه حسابداران رسمی - انجمن حسابداری ایران

اعضاء هیات علمی دانشگاهها در قسمت مالی

دانشجویان دوره دکتری و فوق لیسانس در رشته‌های مالی با ارائه کپی کارت تحصیلی  غیرعضو

محل امضا

انجمن حسابداران خیره ایران - خیابان استاد نجات الهی - شماره ۱۵۲ - تلفن: ۸۸۹۰۲۹۲۶ - فاکس: ۸۸۸۹۹۷۲۲



بسمه تعالی

ثبت نام گروهی در چهارمین سمینار حسابداری مدیریت  
 "حسابداری مدیریت هزینه و سنجش عملکرد در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی"  
 بیست و سوم و بیست و چهارم مهرماه ۱۳۸۷

سازمان

شرکت

موسسه

تلفن

فاکس

به آدرس

با واریز مبلغ

ریال (اعلامیه پیوست) بابت  نفر عضو انجمن

حسابداران خیره ایران و  نفر اساتید و دانشجویان دوره دکتری و فوق لیسانس در امور مالی با ارائه کپی کارت تحصیلی و  غیرعضو جامعه حسابداران رسمی و عضو انجمن حسابداری ایران و  نفر غیرعضو، خانمها و آقایان به شرح زیر را جهت شرکت در چهارمین سمینار "نقش مدیریت هزینه و سنجش عملکرد در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی" معرفی می‌نماید.

۱-

۴-

۷-

۱۰-

۲-

۵-

۸-

۱۱-

۳-

۶-

۹-

۱۲-

محل امضا

انجمن حسابداران خیره ایران - خیابان استاد نجات الهی - شماره ۱۵۲ - تلفن: ۸۸۹۰۲۹۲۶ - فاکس: ۸۸۸۹۹۷۲۲